

عربی (۲)

دبیرستان روزبه ۲

موضوع: درس‌های ۳ و ۴

نام:

اردوی نوروزی ۱۳۹۹

پایه یازدهم / ۲

نام خانوادگی:

۱- عین الأصحّ والأدقّ في الجواب للترجمة:

«رأيت سنجاباً بين غابات البلوط الجميلة دفن جوزات البلوط السليمة تحت التراب ونسي مكانها!»:

(۱) سنجابی را میان جنگل‌های زیبایی از بلوط دیدم که دانه سالم بلوط را زیر خاک دفن و مکانش را فراموش کرده است!

(۲) سنجابی را میان جنگل‌های زیبایی بلوط دیدم که دانه‌های بلوط سالم را زیر خاک دفن می‌کرد و گاهی جایشان را فراموش می‌کند!

(۳) یک سنجاب را میان جنگل‌های زیبای بلوط می‌بینم که دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک دفن می‌کند و مکانشان را فراموش می‌کند!

(۴) یک سنجاب را در میان جنگل‌های زیبای بلوط دیدم که دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک دفن کرده بود و جایشان را فراموش کرده بود!

۲- عین الأصحّ والأدقّ في الجواب للترجمة:

«تتمو في بعض الغابات أشجاراً تنتشر منها رائحة كريهة تهرب منها الحيوانات وتحتوي بذورها على مقدار من الزيت!»: در برخی از جنگل‌ها...

(۱) نمونه‌ای از درختان وجود دارد که با گازهای ناخوشایندی که از آن‌ها پخش می‌شود، جانوران از آن بیزارند و دانه‌های آن حاوی کمی از روغن

است!

(۲) درختانی رشد می‌کنند که از خود بادهای بدبویی را پخش می‌کنند و حیوانات زیادی از آن فرار می‌کنند و دانه‌های آن حاوی روغن است!

(۳) درختانی رشد می‌کنند که از آن‌ها بوهای بدی پخش می‌شود که حیوانات از آن فرار می‌کنند و دانه‌های آن حاوی مقداری روغن است!

(۴) درختانی نمایان هستند که از خود بوهای بدی را پخش می‌کنند تا جانوران را از خود فراری دهند و دانه‌ها استخراج شده از آن دارای روغن است!

۳- عین الصّحيح في الجواب للترجمة:

«رأيت شجرة عجيبة يؤخذ من بذورها مقدار من الزيت فإن أشعلناه لا يخرج منه أي غاز ملوث للطبيعة!»:

(۱) درخت شگفت‌انگیزی مشاهده کردم که از دانه آن مقداری روغن می‌گیریم که در صورتی که آن را بسوزانیم هیچ‌گونه گاز آلوده‌کننده از آن بیرون

نمی‌آید!

(۲) درختی عجیب دیدم که از دانه‌های آن مقداری روغن گرفته می‌شد که اگر آن را بسوزانیم از آن هیچ گاز آلوده‌کننده طبیعت خارج نمی‌شود!

(۳) دیدم درخت شگفت‌آوری را که از دانه آن مقداری روغن گرفته می‌شد که آن را می‌سوزاندند و هیچ گاز مضرّی از آن بیرون نمی‌آمد!

(۴) درختی را مشاهده کردم که خیلی عجیب بود و دانه‌های روغنی داشت که اگر آن را می‌سوزانیم هیچ‌گونه گاز آلوده‌ساز محیط زیست از آن خارج

نمی‌شد!

۴- عین الصّحيح:

(۱) إن نطالع كتاب «منية المرید» يساعدنا في كتابة الإنشاء!؛ اگر کتاب «منیة المرید» را مطالعه کنیم به ما در نوشتن انشایمان کمک می‌کند!

(۲) إن تلتزمن بالآداب لمحضر المعلم تتجحن في دروسكن بلا شك!؛ اگر به آداب حضور معلم پایبند باشید بدون تردید در درس‌ها موفق می‌شوید!

(۳) ما فعلتكم من الخيرات في هذه الدنيا وجدتموها ذخيرة لا خرتكم!؛ هر کار خوبی در این دنیا انجام بدهید نتیجه‌اش را در آخرتتان می‌یابید!

(۴) من صبر على المشاكل في حياته حصل على النجاح فيها!؛ هرکس در زندگی‌اش بر مشکلات شکیبایی بورزد موفقیت را در آن بدست می‌آورد!

۵- عین الخطأ في مفهوم العبارات:

(۱) خیر إخوانکم من أهدى إليکم عیوبکم!؛ خیرُ الأصحابِ من يدُّک علی الخیر!

(۲) عداوة العاقل خیر من صداقة الجاهل!؛ دشمن دانا بلندت می‌کند / بر زمینت می‌زند نادان دوست

(۳) من فکر قبل الكلام قلّ خطؤه!؛ عیبُ الكلام تطویلُه!

(۴) «إن أحسنتم أحسنتم لأنفسکم»؛ هرچه کنی به خود کنی / گر همه نیک و بد کنی

٦- عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«شاهدتُ في إحدى المُختبراتِ تلاميذَ يَتَسَوَّأونَ من محاولاتِهِم الكَثيرة!»:

- (١) در یکی از آزمایشگاه‌ها، دانش‌آموزانی را دیدم که از تلاش‌های بسیار خویش ناامید می‌شدند!
- (٢) در اولین آزمایشگاه، دانش‌آموزان را دیدم که از کوشش فراوان مایوس شده بودند!
- (٣) در یکی از آزمایشگاه‌ها، دانش‌آموزانی را دیدم که از تلاش‌های زیاد خود مایوس شده بودند!
- (٤) در نخستین آزمایشگاه، دانش‌آموزان را مشاهده نمودم که بعد از تلاش‌های زیاد، ناامید می‌شدند!

٧- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

«أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَاهِدْهُمْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ»:

- (١) با دانش و اندرز نیکو به سوی راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان با شیوه‌ای که نیکوتر است گفت‌وگو کن!
- (٢) با دانش و پند به راه پروردگارت فرا خوانده شد و با دیگران با روشی که نیکوتر بود مجادله کرد!
- (٣) مردم را با حکمت به سمت پروردگارت بخوان و با ایشان به آن شیوه که بهتر است گفت‌وگو کن!
- (٤) بر تو لازم است که با پند و اندرز خوب به راه خدایت دعوتشان کنی و به بهترین شیوه با آنان ستیز کنی!

٨- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْمُرَادِفَتَيْنِ:

(١) أَجَلٌ = أَعَزَّ / مُزَارِعٌ = فَلَّاحٌ

(٢) تَارَةً = مَرَّةً / تَعَادَلٌ = اسْتَوَى

(٣) فَكَّرٌ = تَأَمَّلٌ / أَطِيبٌ = أَحْسَنُ

(٤) تَقَرَّبَ = ابْتَعَدَ / يَعْمَلُ = يَفْعَلُ

٩- عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي كَلِمَاتُهَا مُنَاسِبَةٌ لِلْبَعْضِ فِي الْمَعْنَى:

(١) الصَّوْتُ - السَّمْعُ - الْمَشْكَاةُ

(٣) النَّجْمُ - الذَّهَبُ - الْيَاقُوتُ

(٢) النَّظْرَةُ - التَّمَثَالُ - الْعَيْنُ

(٤) الشَّجَرُ - الْحَدَيْقَةُ - الثَّمَرُ

١٠- عَيْنِ الْخَطَأِ: (عَنْ تَوْضِيحِ الْكَلِمَاتِ)

(١) بَحْرٌ يَعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا: الْمَحِيْطُ الْمَهَادِيْ

(٢) صِفَاتُ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ: الْمَوَاصِفَاتُ

(٣) الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ: التَّوَابُ

(٤) تَسْمِيَةُ الْآخِرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيْحَةِ: الْغَيْبَةُ

١١- أَيْ كَلِمَةٌ لَا تَنَاسِبُ التَّوْضِيْحَاتِ:

(١) صِفَاتُ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ: مَوَاصِفَاتُ

(٢) الَّذِي يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ: حَارِسُ

(٣) الَّذِي يَعْمُرُ عَمْرًا طَوِيلًا: مُعَمَّرٌ

(٤) الَّذِي يَحْرُسُ عَنِ الْمَرْمَى فِي مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ: حَارِسُ الْمَرْمَى

١٢- عَيْنِ إِسْمَاءٍ نَكْرَةً يَتَرَجَّمُ مَعْرِفَةً:

(١) الْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ مِنَ الْمُعَلِّمِ قِيَمَةٌ لِجَمِيعِ الزَّمَلَاءِ!

(٢) «أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُوْلًا * فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُوْلَ»

(٣) ذَلِكَ الْمُسْلِمُ يَغْرَسُ غَرْسًا لِيَأْكُلَ مِنْهُ مِسْكِيْنٌ!

(٤) لَا يُشَاهَدُ وَجْهٌ فِي هَذِهِ الصُّوْرَةِ الَّتِي رَأَيْنَاهَا!

١٣- عيّن العبارة التي فيها اسم العلم:

(١) منصورًا! ما تعملُ عندما تُواجهُ الخطرَ؟!

(٢) إنَّ المَحمودَ هو الذي يَحمدُ!

(٣) قال أحدُ المعصومين: العلمُ صيدٌ و الكتابةُ قِيدٌ!

(٤) الصادقُ هو الذي يَصْدُقُ في كلِّ مجالٍ!

١٤- عيّن ما فيه من المعارفِ أقلّ:

(١) كان فرعونُ يعيشُ في عصرٍ جاء موسى رسولاً!

(٢) في مازندران بحرٌ يجذبُ سياحاً من كلِّ مكانٍ!

(٣) في الشّارعِ طفلٌ، الطّفلُ محمّدٌ!

(٤) إنَّ الجوّ في أردبيل في الشّتاء باردٌ جدّاً!

١٥- عيّن عبارةً ما جاء فيها اسم نكرة:

(١) من أسبابِ هذا الأمرِ هو تخريبُ الطّبيعةِ بيدِ الإنسانِ!

(٢) كُنْ مثلَ القمرِ سعيّداً، يرفعُ الناسُ رؤوسَهُم لرؤيتِهِ!

(٣) هذه ألوانٌ للأشجارِ الجميلةِ نراها في الطّبيعةِ!

(٤) رأى المَلِكُ أنَّ الناسَ مُجتمعونَ حَولَ قَصْرِهِ قبلَ خُرُوجِهِ!

١٦- عيّن الخطأ في التحليلِ الصرفيِّ و المحلِّ الاعرابيِّ لما أُشيرَ إليها بخطّ:

«خيرُ إخوانِكُم من أهدى إليكم عيوبِكُم»

(١) خير: اسم تفضيل / مبتدا

(٢) من: اسم / خبر للجملةِ الإسميّةِ

(٣) إخوان: اسم، جمع مكسّر / مضاف إليه

(٤) اهدى: فعل ماضٍ، من بابِ إفعال / فاعله اسم ظاهر «عيوب»

١٧- عيّن عبارةً جاء فيها الفعل المضارع الاتزامي:

(١) أستمعُ إلى تلاوةِ آياتٍ تُهدئُ أعصابي!

(٢) قرأتُ اليومَ كتاباً قرأه صديقي أمس!

(٣) تعامل الولدُ مع أراذلٍ يبعُدونه عن صراطِ مستقيم!

(٤) شاهدنا صديقنا يمشي و يستمع إلى الأغنية!

١٨- عيّن العبارة التي ليست فيها جملةٌ تصفُ النكرة:

(١) عالمٌ يتنفعُ بعلمِهِ خيرٌ من ألفِ عابِدٍ!

(٢) لِلثَّورَةِ الإسلاميَّةِ شبابٌ يحاولون أن يُحقِّقوا الغاياتِ السَّاميةَ للإسلام!

(٣) عَلَيْكَ أن تقومَ بكلِّ أمرٍ في وقتهِ المُناسبِ لا يُنسى خيره!

(٤) لَنْ يَسْتَطِيعَ أحدٌ أن يُنقِذَ الكذَّابينَ على كذبيهم!

١٩- عيّن جملةً ما جاءت بعد نكرة:

(١) شاهدنا سنجاباً يقفز من شجرة إلى شجرة.

(٢) احترمتُ محمداً يتعبداً في المسجد.

(٣) اللهم أعوذُ بك من نفسٍ تعصى.

(٤) سافرتُ إلى قريةٍ شاهدتُ صورتها أيامَ صغرى.

٢٠- عيّن العبارة التي يوصف فيها الفاعل:

(١) سمعَ تلميذٌ يجلسُ انتهاء الصفِّ كلامَ زملائه المشاغبين!

(٢) دخلَ المعلمُ في صفِّ كبيرٍ و بدأ التعليمَ بسرعة!

(٣) شاهدتُ في سفري سياحاً يبيعون أقماشاً ملوثة!

(٤) المؤمنُ رحيمٌ بالآخرين يكتسبُ رضا الله!

پاسخنامه کلیدی

٤	١٦	٢	١١	٣	٦	٤	١
١	١٧	١	١٢	١	٧	٣	٢
٤	١٨	١	١٣	٤	٨	٢	٣
٢	١٩	٢	١٤	٤	٩	٤	٤
١	٢٠	١	١٥	٤	١٠	٣	٥